بررسی کیفیت دگرگنس جویی، چالش‌ها و فرایندهای هویتی از خانواده تا جامعه

زینب آقایی ۱، داروش بوستانی ۲

چکیده
دگرگنس جویی یکی از پدیده‌هایی است که با هویتی جنسی غالب در جامعه در تعارض قرار می‌گیرد و عواقب آن چالش‌های جدی برای دگرگنس‌های آن است. برای این سوی، مطالعه حاضر درصد بررسی چالش‌هایی که دگرگنس‌های تا قبل از عمل جراحی، در خانواده و جامعه با این مشکلات مواجه هستند را بررسی کرد. پژوهش نشان داد که میدان مطالعه، شهر تهران و به طور خاص، کلینیک میدرماند است که مرکز عمد مشاوره و جراحی دگرگنس‌های ایران است. دوباره دگرگنس جویی، هفته مرد به زن و پنج نفر زن به مرد به عنوان مشارکت‌کننده به روش توانمندی‌های هدفمند و معیار اشتباه نظری انتخاب شدند. برای یکی از موارد داده‌های از ابزار مصاحبه عمد استفاده نموده و عمل انجام شد. هدف کلی شناسایی گروه‌بندی که علت اصلی از آگاهی عاملی به آگاهی استدلالی: خانواده گم‌ها و جوانی را: داغ نگهداری چالش‌ها تعارض و مدریتی نشکه هم‌اکننده‌گانی با جنس مخالف و چالش‌های پذیرش و مدریت.

واژگان کلیدی: دگرگنس جویی: هیونت‌پایی: چالش‌ها: خانواده: جامعه

Aghaei.zb@gmail.com، dboostani@uk.ac.ir

DOI: 10.22051/jwfs.2017.13329.1320
مقدمه و بیان مسئله
به طورکلی، هویت جنسی، نوعی مفهومی است که به طور نمادین مشخص می‌شود، از طریق نظام‌های اجتماعی و پزشکی به‌طور کلی تعریف و تدوین می‌شود. این آموزش از آن حیث که مرد یا زن آفریده‌شده پایدار به شباهات خاص بین‌دسته، رفتار کننده و احساس نماید (پربرگ، 1974). هویت جنسی انسان تحت تأثیر شیوه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی از یکدیگر جدا می‌کند و بر اساس ویژگی‌هایی که اغلب به عنوان خصوصیات ویژه دو جنس محسوب می‌شود، شکل می‌گیرد (ریچاردسون، 1997).

به طور عمد معرفی محتوای جنسی و جنسیتی، مدل‌ها و یکدیگر هماهنگ است، اما در این میان افرادی هستند که از ساخت آن‌ویک جنسی خود راضی نیستند و آرزوی خلاقیت از اعضای تناالیخ و زندگی کردن بصورت فردی از جنس مقابل را دارند، به عبارتی مردانی هستند با چرخ و روان زنانه در جسم مردانه و زنانی با روح و روان مردانه در جسم زنانه. اینان کسانی هستند که دارای اختلال هویت جنسی هستند.

1Identity
2Gender Identity
3Sex
4Gender
5Gender Identity Disorder (GID)
براین می‌باشد. اختلال هویت جنسی دو مؤلفه‌ای دارد که هردو آنها برای تشخیص گذاری
این اختلال لازم است. یک نشانه مبنا بر انتخاب پایدار و مستحکم هویت جنس مخالف
که ممکن است باشد، این امر که این نشانه از جنس مخالفی است و وجود داشته باشد
می‌باشد. اختزال هویت جنس مخالفی نیز فقط به دلیل تمایل به برخورد با
امیتازهای فرهنگی ۳ متعلقات با جنس دیگر باشد. یعنی هنگامی که نشانه‌های
دیده شده باشد «ملاک B»، همچنین با این توجهی به دلیل میزان
دیگر نشانه‌های جنسی، همزمان دوبار است (مانند نشانه‌ای عدم حساسیت آندروژنی ۱۱ا
پریانگی فوق کلیوی مادرزادی) ۱۰ این تشخیص مطرح می‌شود «ملاک ج». برای
تشخیص گذاری این اختلال، یک نشانه از پیشانی با اختلال عضله بالینی در کارکرد
اجتماعی، شغلی، یا سابر زمینه‌های مهم وجود داشته باشد «ملاک D» (انجمن
روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۹:۱۴۸۱-۱۴۸۲). به عبارات دیگر، اختلال هویت جنسی برحسب
هماندسانی پایدار و نیرومند با جنس مخالف، همراه با ناراحتی مستمر از جنسیت
تمایل شده خود است (انجمن روان‌پزشکی آمریکا، ۱۹۹۲:۷۹۲). 

مطالعات همگن شناختی چند برای گردآوری داده‌های مربوط به شیوع اختلال هویت
جنسی انجمن نشان‌دهند؛ اما ویلسوون و همکارانش (۱۹۹۹). تخمین زده‌اند که این نسبت
به طور متوسط حدود ۸ در هر ۱۰۰ هزار نفر باشد. هرچند برخی برای آن باورند که ضریب
تغییر جنسی در حال افزایش است، گروهی دیگر معتقدند که الگوی آنها در
زمان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت نسبتا ثابت است. در مجموع برآورد می‌شود که میزان
تغییر جنسی جویی (اساساً زیستی) در بین مردها ۳ تا ۴ درصد زنان باشد (لومی و بوما,

۱Component
۲Cultural Advantages
۳Androgen Insensitivity Syndrome
۴Congenital Adrenal Hyperplasia
۶ ماهنامه (کرمان و دیگران، ۱۳۹۲؛ رازی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۴) جمعیت بین
تا ۵ صدم درصد را دو گروه جو تخمین می‌زنند. داده‌های بدست‌آمده از کشورهای
کوچک‌تر اروپای نیز با توجه به آمار کل جمعیت و مراجعین بیمارستانی از آن است که
تقریباً از هر ۳ هزار مرد بزرگسال یک نفر و از هر ۱۰۰ هزار زن بزرگسال یک نفر
درصد جراحی تغییر جنسیت برای آی وید (انگلیسی روانپزشکی آمریکا، ۱۳۸۱:۵۵). کاهش
در همایش ملی و میان‌رستانی جنسیت مشاعر، انسان، دگرگونه، برگهو
اسناسیت در آزمایش سال ۹۰ مطرح می‌کند؛ تعداد مراجعین به پزشک قانونی كشور
جهت تغییر جنسیت از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ نفر می‌باشد که از این تعداد ۵۸
نفر مراجعه کرده‌اند. از آن‌ها این اختلال بر نظام شخصیت و رفتار و درنهاسته سازگاری اجتماعی افراد
تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به منبع بحران هویت تبدیل شود، شایسته است از دیدگاه
جامعه‌شناسی مورد مطالعه قرار گیرد. در ایران ابعاد موضوع نارضایتی جنسی و گرایش
به تغییر جنس هنوز به طور مفصل مورد نگرد و نگرفته و ناشناخته‌های این پدیده
پس از رویکرد اطلاع دیق و جامعی در مورد شیوع دو جنسی چویی در بین کودکان و
نوجوانان و بزرگسالان نمی‌باشد این چهار و نه‌جوی ندارد و بیشتر
برآورده بر تعداد افرادی است که طالب جراحی تغییر جنسیت هستند. همچنین، در
کشور ما به جهت بلافاصله، اجتماعی، در ارتباط با طریق این موضوع به‌عنوان یک
منشأ همیشه اخلاق‌نگر و وجودی زنده است. به‌طورکلی در این حوزه‌های مطالعات
اندکی صورت گرفته و یکی از سوالات اساسی، خلاصه‌پذیری موجود در این زمینه در
ایران است. چراکه بیشتر تحقیقات حاضر، حتی اگر کم، در حوزه روانشناختی،
روانپزشکی، حقوق و قوه صورت گرفته‌اند و مطالعات جامعه‌شناسی از نوع کیفی آن
حول دو جنسی چویی بسیار کمتر انجام شده است.

* یکی از عوامل کلیه نقض شدن و وضعیت ساماندهی به اخلاق هویت جنسی در ایران است.
باید توجه داشت که دگرگرندگی حیات آفرینی دارای مشکلات فردی، اجتماعی و خانوادگی عدیده‌ای می‌باشد. این افراد محروم‌نشدن و فراموش شدناتی هستند که در مدت جهت علاوه بر رنج و تعصبی که خود تحمیل می‌نمایند موجب اخلاق در نظام دیگران می‌شوند (کاهانی و فلزی شجاعی، 1381). به طورکلی با توجه به مسایل و مشکلات موجود، مسائل اصلی پژوهش حاضر این است که دگرگرندگی حیات آفرینان و به‌طور خاص، دگرگرندگی حیات آفرینان مراجعه کننده به کلینیک میرداماد تهران، در فاینان هیویتی پاییزه چه چالش‌های مواجه می‌شوند و چگونه این چالش‌ها را مدیریت می‌کنند.

ادیب‌الوان و گرگوش

تحقیقات داخلی مربوط به این نویان در پنج حوزه جامعه‌شناسی، روشنایی، روشنایی‌شناسی، حقوقی و مشاهده‌کردن که در اینجا تأکید بر گرگوش‌های جامعه‌شناسی است.

جوهري و کیوچان (1385) در تحقیقی به‌نام‌یات خوشا جنسی و ابعاد اجتماعی آن: بررسی پدیده‌های نارضایتی جنسی در ایران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد هرچند نارضایتی جنسی و اقدام برای تغییر جنس در نظام حقوق ایران امری مجاز است افراد مبتلا به این وضعیت در حوزه خصوصی و عضویت‌ها مشاهده و فرزنگی متعددی می‌باشند. به‌عقیده که به‌نام‌یات خوشا جنسی در ایران پرداخته است، نتایج پژوهش حاکی از آن است که خانواده هم اثر مثبت و هم اثر منفی در تعیین رفتارهای برخورداری تبدیل خواهان جنسی داشته است. همان‌طور که در این پژوهش به‌نام‌یات که این افراد به این است که خانواده هم اثر مثبت و هم اثر منفی در تعیین رفتارهای برخورداری تبدیل خواهان جنسی داشته است.

جوانی‌ها دولت از این افراد نیز از بروز نیازهای اجتماعی، روحی و روانی آن‌ها جلوگیری می‌کنند. هر چند آموزش همگانی جهت ارتقای سطح عضویت‌ها نیز از شدت اثر برایی‌های ناروا نسبت به این افراد می‌کند و زمینه رو به این افراد می‌کاهد و زمینه قرار گرفت.
فرآیند می‌آورد. نتایج پژوهش چهارمی و حسین زاده (1391) در مورد 186 نفر از افراد تحت پوشش مراکز مختلف سازمان بهرسیگی کل کشور، جاکی از آن است که میزان‌ سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی پاسخ‌گویان از میانگین رضایت مورد انتظار بایستی است و بین این دو عامل رابطه مستقیم وجود دارد. نازل بودن میزان سرمایه اجتماعی تغییر جنس‌های شده بازکشت در بعد اظهار سرمایه اجتماعی آنها یعنی کیفیت زندگی‌شان تضعیف شد. پژوهش دیگری (یزدانی‌پناه، 1390) در شهر کرمان، نشان داد که در متغیرهای مختلف فردی و خانوادگی نظر نوع رفتار والدین در دوران کودکی، بروز بی‌کودکی در زمینه‌های زندگیى و رفتاری مناسب در جامعه، همراهی عاطفی اعضای خانواده، آمیختگی عاطفی، ارتباط مؤثر اعلا در درون خانواده، تجربه سوء استفاده جنسی و استفاده از لباس‌های آراشی، و رفتار جنسی مختلف در کودکی بین گروه‌گو و آزمایش تفاوت معناداری وجود دارد.

یافته‌های پژوهش، بینی و دیگران (1390) در دو شهر تهران و مشهد نشان می‌دهد اختلال هویت جنسی (عدم پذیرش هویت جنسی) در میان افراد نمونه میزان بالایی دارد به‌گونه‌ای که در دامنه (5-1) میانگین اختلال 6/4 است، همچنین متغیرهای "احساس رضایت از کنش اجتماعی با همسالان هم‌جنس" و "کسب تأیید اجتماعی از سوی همسالان هم‌جنس" رابطه معنی‌دار و معکوسی بر اختلال هویت جنسی دارند و متغیرهای "اختلال در جامعه‌بندی" و "اختلال در همانندسازی"، "میزان تأثیر‌پذیری از الهی‌رفتاری غیر هم‌جنس" و "درمان بر چسب اجتماعی جنس مختلف از سوی دیگران" بصورت معنی‌دار و مستقیم با اختلال هویت جنسی دارای رابطه معناداری هستند. همچنین، عوامل اجتماعی با تأکید بر بایگانی اجتماعی و عوامل خانوادگی با بروز رشد اختلال هویت جنسی رابطه معناداری دارد. کمیسی (1389) با مقایسه افراد مبتلا به اختلال هویت جنسی و افراد عادی توجهی می‌گیرد که میزان شاکدامی و سلامت عمومی در افراد غیر دگر جنسی جوی بیشتر بوده است؛ اما در متغیر سبک زندگی تفاوت
معنادار دیه نشده است. همچنین در متغیر شادکامی، در عامل‌های رضایت، خلق مثبت، سلامتی و کارآمدی، تفاوت معناداری بین دو گروه دیده می‌شود. در متغیر سلامت عمومی، نیز نشانه‌های اضطراب و بی‌خوابی، مهارتها اجتماعی و افسردگی وجود دارد.

نتایج پژوهش پیامشی لومباردی و دیگران (2002) نشان داد که بیش از نیمی از یک نمونه 400 نفری از دگرگر کرجیان، آزار و اذیت را در طول دوران زندگی و یک چهارم آنها نیز یک روند خشن را تجربه کرده بودند. همچنین تجربه تبعیض اقتصادی به علت دگرگر کرجیان رابطه قوی با تجربه روند خشن داشت. نتایج پژوهش (گراسمن و داگلی، 2007) پیامون رفتار برختر 55 جوان دگرگر کرجیان داد که نزدیک به نیمی از آنها به طور چندی به خودکشی فکر کرده و یک چهارم آنها اقدام به خودکشی را گزارش داده بودند. متغیرهایی که به‌طور متناقض با اقدام به خودکشی و فکر کردن به خودکشی ارتباط داشت، عبارت بودند از: سابقه خشونت کلامی و فیزیکی توسعه درمانی، عدم مشارکت در برنامه‌های سلامتی و کاهش در پیشرفت در درمان، نقص در رفتار اجتماعی و نقص در رفتار اقتصادی.

مورد چگونگی ارژیابی خانم‌ها و دیگران (2015) در یک پژوهش مروری فراملیه بررسی تجربه تعصب، تبعیض، خشونت و دیگر اشکال الداج نگ کسب درخور بود. در جمعیت دگرگر کرجیان، فرصت‌ها و همچنین دسترسی به منابع در خوزه‌های مهمی از قبیل اشتغال و خدمات بهداشتی درمانی را محدود می‌کند و به‌طور پیوسته، بر جسم و روان آنها تأثیر می‌گذارد. مدل بوم‌شناختی اجتماعی بکار گرفته شده در این مطالعه به‌طور مداوم و به‌طور پیوسته، بر جسم و روان آنها تأثیر می‌گذارد. برخی از پژوهش‌ها (دی‌ستیس، 2009؛ ارنس و دیگران، 2007) تأیید کرده‌اند که داغ، درد نشکنی، همواره با افسردگی و خودکشی دگرگر کرجیان جوهره می‌باشد.
همراه بوده است. پویش و دیگران (2013) در یک مطالعه کیفی گزارش کردند: توری پرآمدن
داغ نگ در مراقبهای بهداشتی در مرکز جویان به این تجربه رسیدند که ریکار
اراده هنگام خدمات بهداشتی در برخورد با بیماران درگیر جویان همواره با ابهام و عدم
تعامل رویبوده است و درگیر جویان هم پیش‌بینی می‌کردهند که اراده‌هندگان
خدمات بهداشتی نمی‌دانستند نیازهای آنها را چگونه بطرف کنند که پیامد این امر
بروز عدم تعادل در رابطه بین بیمار و اراده‌هندگان خدمات بهداشتی بود.
ایپولیتو (2009) در تحقیقی کیفی به مسائل مربوط به سازگاری مجدداً با جامعه و افراد
درگیر جویان زن به مدرس، پرداخت این سوال، یافته‌ها نشان میده که تغییر جنسیت یک
فرد و نگاه زندگی از یک زن به مرد همراه با چالش‌های چپچیده و دشوار است. این که
فرد بهصورت یک زن متولد شود و در روی احساس یک مرد را داشته باشد برای
بسیاری از زن به مردها چالشی بزرگ است که این فرد دریافت سیستم جنسی و
موفقیت جنسی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، نژاد و سطح تحصیلات برابر زن به
مردها متفاوت می‌باشد. ایان-تی‌افی و یوکینگ (2011) درصد بررسی این امر برآمدند
که تجربه افراد درگیر جویان تا چه حد تحت تاثیر مشروطیت جنسیتی جامعه و سازه
دگانگی جنسیتی قرار می‌گیرند. داده‌های بدست آمده از این مطالعه منشی بر فضای
اینترنت نشان داد که مشارکت کنندگان بمشتاق تحت تاثیر تغییر هسته‌های دوجنسیتی
هنچارند. جامعه قرار گرفته بودند و هر چه از شدت بارهای جنسیتی کاسته می‌شد
فواید درگیر جویان کاهش می‌یافت که با سطح بالایی از عزت نفس همواره می‌شد.
درواقع آن‌ها در یک بحث مضمون قرار می‌گرفتند. از یک طرف به نوجوانی جنسی و
جنسیتی جامعه آمریکا و از طرف دیگر با یک وضعیت روحی و روانی تضعیفشده
مواجه می‌شدند. استیلبیز (2012) چالش‌های بزرگ و شکل‌گیری یک جوان
درگیر جویان در این گونه تام می‌برد: خلک یک همیت درگیر جویان بانوی، فاش سازی، تبعیض و
این‌گونه که در بخش‌های پایانی نشان داده شده است، مواد مطالعاتی از نظر منظره‌های زمینه‌ای (گره‌نده تور) ایستاده کردند. در حال‌های مطالعاتی از نظر گرایش زمینه‌ای در تحقیق حاضر به این شرح است: از جمله‌ای که بسیاری از مرحلات محتمل از پیشنهاد درک‌جویی و افراد درک‌جویی جو جوی و علائم دارد و چنین بی‌رویه منظر جامعه‌شناسی آن‌ها با روش‌های کیفی مورد مطالعه واقع

Glaser and Strauss
Annells
نشده، استفاده از روش نظریه زمینه‌ای برای گنا به‌خیالنده به این موضوع سودمند است.
اين روش كمک مي كند تا دريد روش تري نسبت به درجنس جوي به دست آيد و داده‌ها بهصورت هدفمندي جمع آوری شود. همچنین اين روش با ساده كردن و مدیریت داده‌ها كمک مي كند تا پیچیدگي هاي بديده مذكره دستخوش تغيير نشود و ماهييت طبيعت گرايانه پژوهش نيز حفظ گردد. ديگر اينكه اگر هدف، درک فايند و شيوه تجربي افراد و اينكه افراد چگونه تجربه شان را تفسير مي كنند باشد، محقق نياز به شيوه‌هایی برای كشف و درک پیچیدگی آنها دارد.

میدان تحقیق، مشارکت کننده‌گان و شیوه نمونه‌گیری
میدان تحقیق پژوهش حاضر شهر تهران بوده و جهت دسترسی به درجنس جویان، کلیپارک مکرر پژوهش انتخاب شد. دلیل انتخاب این کلیپارک، امکان دسترسی به مشارکت کننده‌گانی از طبقات بالا، متوسط، پايين، با ویرگی های فردی متفاوت در سنین مختلف بعیض 18 تا 56 سال بوده است. دیگر اینکه این کلیپارک، از مراکز اصلی تغییر جنسیت در تهران است و از تمام نقاط ایران برای عمل به آن مراجعه می‌شود. به طور کلی، مشارکت کننده‌گان این پژوهش را 12 نفر از درجنس جویان مراجعه کننده به کلیپارک مکرر پژوهش تهران تشکیل می‌دهند؛ که از این 12 نفر، 7 نفر «مرد به زن» و 5 نفر «زن به مرد» می‌باشند. روش نمونه‌گیری، هدفمند با حداکثر تنوع آست و منطق حاکم بر آن، نمونه‌گیری نظري است که هم برای انتخاب افراد و هم انتخاب مشاهدات (مفهوم‌ها) موجود در ذهن (افراد) از آن استفاده به عمل آمده.

ابزار گردآوری داده‌ها:
در انجام روشهای روشنمود و تحلیل نظریه زمینه‌ای اشتروس و کریب، معمولاً محقق اقدام به مصاحبه‌هایی در حدود بیست الی شست دقیقه در هر ملاقات در میدان تحقیق

Maximum Variation Sampling
می‌نماید. ملاقات‌ها چنین بار تا به اشاعه رسیدن مقوله‌ها و دسته‌بندی‌های اطلاعاتی (ادامه مصاحبه و جمع‌آوری اطلاعات‌های زمانی که دیگر اطلاعات جدیدی منتقل نشود) انجام می‌شود. در حالی که اطلاعات و داده‌های تحقیق جمع‌آوری می‌شوند، همزمان تحلیل آن‌ها انجام می‌شود. البته جمع‌آوری و تحلیل در یک فرآیند رفت و برگشت و 
زیگزاکی۱ انجام می‌شود (ایمان، ۱۳۸۸). برای اساس در پژوهش حاضر از مصاحبه متولی چندگانه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده به عمل آمد و طی آن همزمان با خلق مفاهیم و مقولات، طراحی سوالات جدید، رسیدن به اشاعه نظری و همجنسین حصول اعتماد‌پذیری با هر مشارکت کننده چنین بار مصاحبه‌های مفیدی گرفت.

تجزیه و تحلیل داده‌ها:
در روش شناسی نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور همزمان انجام می‌شود تا به‌پژوهش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کند (کلیژر و اشتروس، ۱۹۶۷). فعالیت عمده روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای در حوزه تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام می‌شود. تکنیک‌های مورد استفاده در این روش به‌عنوان بودای سپاسی ویک‌رده‌ها می‌شود. ساختر اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری است: ۱- کدگذاری یازد، ۲- کدگذاری محوری و ۳- کدگذاری انتخابی (استروس و کریشن، ۱۹۹۸) در پژوهش حاضر، طی فرآیند مصاحبه‌های متولی و چندگانه، مراحل کدگذاری نیز همزمان با جمع‌آوری داده‌ها صورت گرفت. بدین‌گونه برای هر میدانی و مشاهدات نیز به خلق مقولات و سرآغاز تدوین گزارش نهایی کمک نمودند.

1Categories
2Zigzag
قابلیت اعتماد
برای کسب اطمینان از صحت داده‌ها، منابع آن و روش جمع‌آوری داده‌ها از سه تکنیک استفاده به عمل آمده‌اند. ۱- مربوط: که طی آن، یک محقق کیفی کار مجرم، به عضویت، بر مراحل پژوهش نظر نشان داده‌ها کارخانه محقق، با استخراج متقاضی و مقولات تا مرحله اتمام پژوهش، نظارت داشته، ۲- برسی توسعه احساس، در این شیوه، از مشارکت کننده‌گان خواسته شد تا مضمون و مقولات را ارزیابی کرده، در مورد صحت آنها نظر بدهند (کرسول، ۱۹۹۴) در این مرحله تقریباً تمامی مقولات به تایید مشارکت کننده‌گان رسید. ۳- مقایسه‌های تحلیلی: طی این روش (اشتروس و کریبن، ۱۹۸۸) به داده‌ها رجوع شد و ساختمانی، مقولات با داده‌هایی خاص مقایسه گردید تا از صحت مقولات به‌دست آمده اطمینان حاصل گردد.

یافته‌ها
در این بخش نتایج تحلیل مصاحبه‌ها، در قالب مقولات و توصیف آنها گزارش می‌شود و برای تأیید توصیف‌ها و مضمون عمده نیز نقل قول‌ها به‌عنوان شواهد می‌دانند طرح و موردیت و برسی قرار می‌گیرد. شش مقوله مستخرج از داده‌ها عبارتند از: رسیدن از آگاهی عملی به آگاهی استدلایی: خنوده کم آگاهی بحران‌زا داغ نسج: جالش‌های تعارض و مدیریت نش: هم‌ناتسازی با جنس مخالفان و جالش‌های پذیرش و طرد.

رسیدن از آگاهی عملی به آگاهی استدلایی

۱- آگاهی عملی (Practical Consciousness) (ارنگ و گیزنز، ۱۹۸۴) مقیاسی تئوریک به یک آگاهی (Discoursive Consciousness) که به دلایلی از آن در روانکاوی است و به معرفت تجسم و در آنچه کشک‌زبان نمی‌داند که داشته به‌کارگیری منطقی طرح و جلوه‌هایی (تصویری و نمادین) از آن چگونه نظارت داشته‌اند که در آن در پی دنبال‌کردن چکیده از آن فعالیتی می‌شود.

۲- آگاهی استدلایی (Pre-consciousness) (ارنگ و گیزنز، ۱۹۸۴) در دو معنای قبلاً از آن در فهم ایجاد ساختی مبنایی که به‌طور مسولی در آثار گیزنز این باور وجوددارد.
مقوله "رسیدن از آگاهی عملی به آگاهی استدلالی"، ناظر به فرانسیس است که طی آن مشترکت کنندگان از آگاهی جزئی و مهم و به عبارتی بیش از آگاهی، به یک آگاهی مفصل و تخصصی از وضعیت گراش جنسی یا جنسیتی خود دست می‌یابند به‌نحوی که درباره آن صحبت کنند. به‌دیگر سخن، تمام مشارکت کنندگان بیان کرده‌اند که به‌نوعی خود را با دیگران متفاوت می‌دانستند، اما نمی‌دانستند چه تفاوتی با آن‌ها داشته باشند. این تفاوت برایشان روش نبوده؛ اما در گذش زمان و از روی‌های مختلف، نسبت به دلیل این تفاوت اطلاع کسب کرده و قادر به بیان و توضیح تفاوت‌های شدید‌نمایی، آگاهی عمدی، مربوط به زمانی است که فرد با همتجان خود (افراد هم‌جنس یا جنس بدنی و همسن) احساس یکسانی نمی‌کند؛ اما دیگری با این احساس تفاوت خود نیافت و لذا نمی‌تواند در این مورد با کمی صحبت کرده با این موضوع را به دیگران اعلام کند. از سوی دیگر، فردی که منوجه این تفاوت خود شده، هنوز از ماهیت دگرچگس‌جویی‌اش آگاه نبوده و صرفاً بر اساس علاقه و تجربه‌ای که به کاری که دست می‌زنند که از دید اطرافیان اشتباه است. همچنین او احساساتی دارد که از دید اطرافیان ناب‌دیده بااشد. به دیگر سخن ممکن است، این مواقع ممکن است به‌منظوری از ماهیت جنسیتی پی‌کشیده شود، به دلیل بالاتری از دوستی و یا تبادل به ایجاد رابطه عاطفی بین دو مرد، بدون اطلاع از دگرچگس‌جویی یکی از طرفین، قدیمی‌تر و مطروح است؛ اما این مسائل برای یک فرد دگرچگس‌جو به‌گونه‌ی دیگر است! بدنی معنی‌که هر فرد دگرچگس‌جو، تفاوت‌ها جنسیتی را کاملاً ناخواسته و هنوز روز عمده نانیده می‌گیرد. این تفاوت‌های جنسیتی در میان دگرچگس‌جویان صورت دیگری می‌گیرد که به میزان از آن به عنوان شخصی برای شناخت دگرچگس‌جویان استفاده کرد. به‌دیگر سخن دگرچگس جویان: «مرد به زن» و «زن به مرد»، به دلیل تعارض که میان جنس درونی و جنس بدنی شامل دارند، تفاوت‌های جنسیتی و جنسی را به گونه‌ای متفاوت بروز می‌دهند.
در واقع، هر 12 مشترک کننده تأیید کرده‌اند که از متفاوت‌های بودن خود، آگاهی داشته‌اند؛ اما این آگاهی شامل اطلاعاتی از وجود اختلال هویت جنسی یا آگاهی از وضعیت خود، به‌عنوان یکی از دگرخیالی‌های نیمه‌ای است. بلکه، این آگاهی از تفاوت در علایق نسبت به هم‌تایان بوده است. به‌عنوان مثال، در حضور مشترک کننده‌گان «زن به مرد»، آگاهی یعنی: احساس ریشه‌دار پرستون، در معاین بروز رفتار و شیوه‌های پسرانه و نژادی در انطباق با جنس جسمی. این رفتار شامل اتصال اینکونیه از دگرخیالی‌های جنسی بوده است که خود نیز نسبت به آن آگاهاند، اما آگاهی‌ای که نسبت به بیان‌نامه‌های بدنی نیست اثبات‌پذیرهای واحد بوده و صرفه‌ای مانه‌داننده متفاوت‌اند و لذا متفاوت عمل می‌کنند.

می‌توانست با جسم کنار بایرام، در دوران مدرسه پسرانه رفتار می‌کرد و شیوه‌های پسرانه داشته‌باشد. این آگاهان به رفتار پسرانه را دوران مدرسه معرفی می‌کنند، اما بر آساس یافته‌های این رفتار معاین بین‌جنسی، از سنین 3-4 سالگی به شروع شده و این تفاوت در رفتار و مولفه‌های مشخص جنسی و جنسیتی، در سالگی‌های کاملاً مشهور است: اما معمولاً به دلیل آگاهی کم یا عدم آگاهی خانواده، نسبت به اختلالات هویت جنسی و علائم آنها. این تفاوت‌ها توجه نشده و فرد دگرخیالی جنس، خود در سنین بلغ می‌آموزد. تفاوت جنسی‌یافته‌ها با سایر هم‌تایان می‌شود و در پی آن برای یافتن چیزهایی این تفاوت تلاش می‌کند. تلاش‌هایی که آن‌چنین بیان خواهد شد، به آگاهی‌های عاری از رفتار منتهی می‌شود.

زمان اطلاع از متفاوت‌های بودن، در میان دگرخیالی‌های جنسی متفاوت‌های بوده و حتی برخی ادعا می‌کرده‌اند. به‌گونه‌ای، می‌توان اطلاع از رفتار متفاوت، از زمان تولد وارد مطرح می‌کنند. ۵۸ می‌گویند این افراد از آن‌ها در جدی‌ترین سطح از زمانی که چهار سال را راه می‌پرداختند. این رفتار مشکل را داشته و برای آگاهی شدن از وضعیت خود و اینکه چرا رفتار متفاوتی نسبت به هم‌تایانش دارد، به‌پیگیری مشکل خود می‌پردازند. از طبیعت آن از
دوره مدرسه آغاز کرده و در کلاس هشتم (قدمی) به پزشک مراجعه می‌کند؛ که در پی آن تفاوت اور ناشی از اختلال هویت جنسی تشخیص داده می‌شود؛ کلاس هشتم به رقت دکتر چه بینم چرا این گونه و مشکل جسمانی؟ دکتر گفت با این عمل کنم. با این تشخیص و شناخت عارضه، می‌توان از ابتدا کسب آگاهی استدلالی درباره‌ی گرفته‌های حذفی می‌تواند تفاوت خود را در قالب کلمات بیان کند. در رویکرد «آگاهی عمومی»، مراحل اولیه در شکل گیری آگاهی مشارکت‌کنندگان اساسی. همکاری‌نامه آگاهی فرد تغییر می‌یابد و به یک آگاهی استدلالی یا گفتگویی از وضعیت خود می‌رسند.

خانواده کم آگاه بحرانزا

والدین به دلیل آگاهی اندک و کاهش نکست در مورد اختلالات هویت جنسی فرزند، با رفتار غیر منطقی و بعضاً ناپدیدگی بروز هویت نامتعارف و نسبت به همان انتظار، به اختلال هویتی دامن می‌زنند. توجه نکردن به رفتار کودک، چه در واقع نادرست در مورد رفتارهای نامتعارف و بعضاً حمایت افراد خانواده از این رفتار و در هرگونه اقدام از روی آگاهی، باعث پیچیدگی و ضعیفی می‌شود. به نتایج فوق، با این تفاوت میان مدل پوششی و درک جنسی جویی و افزودن بر امکان اصلاح مدل پوششی در سنین کودکی و جلوگیری از تبدیل شدن این اختلال هویتی خفیف به درک جنسی جویی اشاره کرد؛ نا این منظر تأثیر جنگی آگاهی وادین و نقش آن در کنترل و مهار این پدیده را به‌عنوان کرد. همان‌طور که گفته شد، توجه نکردن والدین به رفتار کودک، باعث رشد این اختلال در سنین بزرگسالی می‌شود. تمامی مشاهدات کننده‌اند درمان درک جنسی جویی خود در سنین بزرگسالی از طریق عمل تغییر جنسیت پرداخته‌اند؛ حال آنکه اتخاذ درمان این اختلال هویتی، از طریق رفتار درمانی، شناخت درمانی و روان‌درمانی نیز وجود دارد. درمانی که مسلمان از عمل جراحی تغییر جنسیت برای فرد و جامعه کم‌هزینه‌تر و خواهد...
بون. کم‌آگاهی خانواده باعث می‌شود فرد در احتلال هویت جنسی در تمامی دوران‌ها و محیط‌ها، اعم از مردگان، خانواده، فامیل و گروه جمعی مشکل و بحران باشد. مشکلی که هم در سطح اجتماع ارتباط با دیگران، هم در سطح پذیرش جمع و هم در سطح هدایت‌بندی‌های فردی وجود دارد. درک تفاوت این، نیاز به درک می‌باشد. 

۴۴ ساله به یکی از مشکلات اصلی نظام می‌کند که تا قبل از آگاهی پدید شده و پدید یافت، بهشدت از دیدش است: "قبل از اینکه پدرم به‌فهمید، به‌طور کامل به‌هم بود، خیلی از این بچه‌ها از شدم. این آگاهی و درک موضوع توده و دیدن، از سنین اولیه جوانی بوده است؛ که احتلال از حالت می‌بود. خارج، به مرحله دگرگرای جویی رسیده است. ۳۷ ساله، هم‌زمان با این، عدم آگاهی اشاره می‌کند؛ البته خانواده مرا هم یادگیردها و شکسته هستند و خانواده‌ام آگاهی نداشته‌ام." 

آن‌چنان در بالا آمد. می‌توان این احتلال هویت جنسی را در سنین پایین با درمان‌هایی که مطرح شد، بدون نیاز به تغییر در فیزیک و جنسیت بدنی فرد درمان کرد و تعاضب میان خود روبنده و خود پیروی وی را کاهش داد (حتی برترف کرد). اما تکنیک دیگری نیز در این کار وجود دارد: اگر سن فرد از این‌جا هم‌زمان با این الشایه و نه احتلال از فرم می‌بودد خارج شده، به دگرگرای جویی می‌رسید. در سنین بدتر، نه‌تنها یک تیپیسمیزایی با جنس مخالف و بروز رفتارهای مغاير با جنسیت بدتر، مؤثر و مفید بوده، بلکه این اقدامات به تشدید مشکلات فرد از این‌جا از این‌جا هویت جنسی می‌انجامد. به دگر سخن، به دلیل عدم آگاهی خانواده، مرحله اولیه برای این‌ها اگر نبود، هیچ تدبیری برای این رفتار کودک و نماهنگ‌نمایی با جنسیت دیگر و تقدیر رفتار آن، در نظر گرفته شده، نمی‌شود. اما پس از تشخیص این احتلال و بروز آن به‌صورت دگرگرای جویی در سنین بزرگسالی، مهاجرت‌های و تتبیعات خانواده نیز شروع می‌شود. 

این مهاجرت‌ها و تتبیعات باعث تشدید مشکلات دگرگرای جویی می‌شود. می‌باشد. ۵۸
ساله این گونه روایت می‌کنند: «سر همین رفتارهای دخترانه از اول تکن خوردم تا بزرگ شدم، پدرم با من مشکل همیشگی بود؛ سر همین مرا دعا می‌کرد و می‌پزد». معفی دیگر در این خصوص ناپدید شد، گرفتم علت اصلی و عدم تلاش برای فهم مسائل اسلسه. 32 ساله می‌گوید: «خانواده اعمال دخترانهایی که از من میدنبه به حساب شرخه‌های بچه‌گانه می‌گذاشتند.»

دیگر اینکه، کم‌آگاهی خانواده و همه‌مان با آن علاقه‌مندی خانواده به یک جنس خاص، بعضاً باعث حمایت خانواده از برخی های رفتارهای مغاور با جنسیت‌بندی کودک می‌شود. یک علاقه‌مندی و تأثیر رفتار، منجر به تداوم دگرگرایی و احتمال آن در سنین بزرگسالی می‌شود. می‌گویند 29 ساله، از دگرگرایی جوانان «زن به مرد» می‌گوید: «می‌دانم که پدرم از ابتدا داشت پسر باشم. پدر و مادرم در کودکی به رفتارهایم زیاد دقت نمی‌کردند؛ و از کارهای پسرانه من خوشمانه می‌آمد». درواقع، کم‌آگاهی خانواده باعث می‌شود، قادر به حمایت از فرد دگرگرایی جو نبوده و او مسیر اختلال جنسی را به‌تهای طی کرده و به‌سبب نقص فرآیند جامعه‌پذیری، دچار معیالات و مشکلات عدیده‌ای شود. عدمی از این افراد از خانواده طرف می‌شوند یا به‌سبب ناپدیدگی از این باره‌ها جنسیتی موجود در خانواده، از آن جدا می‌شوند. گروه دیگر، برای رسیدن به خواسته‌هایشان مبارزه می‌کنند و از این طریق خود و خانواده را دریکر مشکلاتی می‌کنند. درمان این اختلال از آن جهت مهم شمرده می‌شود، که اولاً کودک پس از درمان توسط همایش‌های پذیرفته‌شده و از حق‌های اجتماعی اش متعین شده است.

همان‌دستی با جنس مخالف

تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که دگرگرایی جویان از تمایل جنس اولیه خود در زبان‌های و علاقه مستمر به همان‌دستی با تمایل جنس مخالف دارند. به‌عبارت دیگر، یک
دگرگونس چریو "زن به مرد" علاقه به همانندسازی با مردان و یک دگرگونس چریو "مرد به زن" علاقه به همانندسازی با زنان دارد. این همانندسازی در انجام فعالیت‌های سنتی، اجتماعی، عقیده و همچنین حوزه علیا متسبب به زنان و مردان ظاهر می‌شود.

نقل قول‌های زیر بنابراین وضعیت است: "به لباس‌های زنان آلله علاقه داشتم و کفش‌پاشه‌بلند از علایق مهم بود؛ همیشه به سراغ کفش مادرم می‌رفتم"، و یزگی‌ها دیگر، میل شدیدی است که این افراد برای شرکت در بازی‌های نقش دلخواه چنین دارند؛ که این جمله می‌توان به خاله‌پاها اشاره کرد؛ این افراد عواملی در این بازی، نقش مادر را می‌پوشانند و خواهش می‌کنند که، مادر بازی با استفاده‌های دخترانه بود. انتخاب هیچ‌یک‌یازی دختر، از یزگی‌های دیگر است. مم ۳۱ ساله بیان می‌کند: "از یزگی‌ها تا جایی که باید است با دختری بازی می‌کرد و از بازی با پسرها متوقف نمود". این نکته این است که همیشه باید صحیح و مناسب باشد و استفاده از نگاه متداول آنها به هم‌جنسان بدشانه. همچنین، زنانه‌های زنها رفتار کردند، اراده‌ها و زنانه‌ها داشتند و تمایل به عادات و علایق باز زنان. از یزگی‌ها به همین‌های است که این همانندسازی با آن شناخته می‌شود. بی‌عقیده کلامی و فکری (۱۳۸۱) همانندسازی با جنس مخالف دگرگشایی "زن به مرد"، دارای یزگی‌های زیر است: "و اکنون نمی‌شود می‌پوشانند لباس‌ها و دیگر وسایل زنانه نشان می‌دهند. در راستای این ویژگی، بیش از ۴۹ ساله بیان می‌کند: "همدان مرا کنک می‌زن تا برو لباس دخترانه بپوشم". برای بعضی افراد دگرگشایی "زنب به مرد"، انجرای از پوشش لباس‌های مطابق با جنس بدنی زنان (دخترانه) تا حدی است که باعث می‌شود، حتی از حضور در مدرسه‌ها بی‌توجهی به اجتماعی مشابه که در آن پوشش‌ها چنین لباس‌های ضروری است، امتناع کند: "درس را هم دارم تا اول راهنمایی خوانندام."
چون باید انیفورم می‌پوشیدم، دومین ویژگی، داشتن موی گوارش و پوشیدن لباس پسرانه است. مم۲۲ ساله بیان می‌کند: «با قیچی موهای خودم را کوتاه کردم و کنک خوردم».

پا سینه ۴۸ ساله می‌گوید: «به سن ۱۸ سالگی که رسیدم صورتم را با تیغ می‌زمدم».

ویژگی دیگر، انتخاب بازی‌های پسرانه و همپاره‌های پسر است: «در دوران مدرسه پسران رفتار می‌کرد و شیطان‌های پسران داشت».

چند نکته در بحث هماندنسازی قابل توجه است یکی این که هماندنسازی با جنس مخالف جزء‌انفک زندگی در جنس جویان است؛ که خود موجب رشد و گسترش هوریت‌های در جنس جویان با جنس متتاوت با خود بدنی شان می‌شود. تعارضی که در خرشه هماندنسازی و تقویت تمایز روده به ویژه و بدنی، به صورت مستمر تشکیل می‌شود. نکته دیگر همواره هنری هر مدرسی در جهت هماندنسازی با جنس مرد و مخالفت با پوشش و نمادهای زنانه برای مردان است. بهینه‌گویی که اولاً اظهار نارضایی از جنس بدنی و فرار از نماده‌های زنانه برای دگرچه‌جنس جویان «زن به مرد»، بسیار راحت‌تر است؛ و ثانیاً هماندنسازی با مردان یکی امتناع و هماندنسازی با زنان یک ضعف به شمار می‌رود. به این معنا که دخترها می‌توانند پوشش‌پر شان بهشت یا پسران رفتن کنند. لذا، پله‌یک کشته‌های پسرانه از جانب یکا دختر در بین عموم بسیار مقبره‌تر از انتخاب اعمال دخترانه توسط یک پسر است، و به همین دلیل شیاریت برای دگرچه‌جنس جویان زن به مرد قابل تحمَل‌تر است.

چالش‌های تعارض و مدیریت نقض

مشارکت کننده‌گان باین اعتقاد بودند که به دلیل آگاهی نبودن درگیری آن از دکترنگین جویان و پیوستگی از آنها انتظار می‌رود که بر مبنا جنسیت بدنی خود رفتن کنند. جنسیت که بیانگر نوع رفتار و نقض آنها در جامعه است؛ اما درواقع فرد دکترنگین جویان، تنها زمانی
می تواند موافق با جنس بدنی خود عمل کند که دست به بزای نقش بزند. گاهی دگرگرایی خوان، خود از ابتدا به پذیرش و اجراي نقش مورد انتظار، علی رغم میل باطني و درخواست آن، اقدام می کند. و تا آنجا پیش می روند که کمتر کسی می تواند متفاوت بودن آنها نمی شود. می مین ۲۱ ساله م گورد: «در دوران مدرسه برای اینکه کسی می توانست نقش خیلی بزای کرد» این ایفای نقش در زمانی که فرد ملزم به حضور مداوم با مستمر در اجتماعات مشخص است. بسیار دشوار و مهم است. چراکه افراد حاضر در آن اجتماعات مدت زمان زیادی را با فرد دگرگرایی گذراند و از درک یافته، امکان پی برد که نقش بزای کردن اور و وجود دارد می مین ۵۸ ساله فردی بوده که بجا و وجود سختی های بزای نقش و فشارهاي ناشی از این دوگانگی در دوران و بروز خود و نقش هایی که در تعارض با خود یا بود، آن چنان خوب از وعده ای که کاربرمان آمده که تمام اطراف ابتنی، غیر از خانواده، بار می کردن که بر هومیو دیگران است: »آن لحم دوستمان دسته بدهن مانده ان می چطور متفاوت نشستند که من زن بودم»

ایفای نقش، نقش بزای کردن و پذیرش نقش، در این دوره، است که ما هم میزنه آن را انجام می دهیم و با آن درگیریم در پارهای از وضعیت ها ممکن است نقش ها باهم در تعارض قرار گیرند. برای دگرگرایی خوان این گونه است که کمیت قسمتی از زندگی روزمره شان متفاوت بودن، می مین و بدون ایفای نقش مورد انتظار، قادر به سازگاری با شرايط نیستند. می مین ۲۴ ساله م گورد: »هر از خوب برای ما شام جنسیتی بنا زندگی ام مشترک بودو« به طور کلی تعارضی نقش در طبیعت افراد دگرگرایی جو وجود دارد. تعارضی که درمانی فرد را به نشانه برای حال کردن، از طریق انجام عمل تغییر جنسیت وارد می کند. تعارضی که بعضاً ناشی از عدم پذیرش طبیعت متفاوت فرد با دیگران است و از روزهای ابتدا بهصورت اعمال فشار از طرف خانواده خود را نشان می دهد. فشاری که عموماً هم پذیرفته می شود، یکی از مشارکت کنندگان، از پذیرش نقش جنسیتی زنانه در چنین می گورد: »گفتند باید لباس بپوشی و موهایت را بپردازی کنی"
و من گفتگم چشم. گاهی هم اتفاق می‌افتد که فرد در اجراي نقشی که از او انتظار می‌رود، به دلیل تعارض نقش‌ها و انتظاراتی که دیگران از او در قبال نقش دارند، دچار مشکل می‌شود که تجویز آن فشار نقش است.

یکی از مشارکت‌کنندگان دیگر، جم 27 ساله است که در بدن زنانه به دام افتاده بود، ابتدا با توجه به روحیات و خلق‌بافی رفتار کرده و نقش‌های مضمون پسران ایفا می‌کند. اما هنوز نه کسی قصد داشته که دیگران نتوانند! برخوردار چون فکر می‌کند که نمی‌توانند تا کمک اما پس از مدتی، به این تجربه می‌رسد که روح‌بافی با جسمان سازگار نیست و بايد در پی اصلاح خلق‌بافی و رفتار باشد. «من فکر می‌کنم دارم اشتباه کرده و بايد نرمال باشم» او در این مدت دخترانه رفتار می‌کند و تلاش‌هایی برای جلب نظر دیگران نیز انجام می‌دهد: ابروی‌ها را برداشته و حتی در چنین عروسان پیراهن پوشیده! اما درنهایت به این تجربه می‌رسد که قادر به ادامه این روند نیست و نقش‌های دخترانه با او و طبعش سازگاری ندارند. پس برای عمل جراحی اقدام می‌کند. باوجود انکه وی تمام تلاش‌ش را در پی بذاری نقش به کار می‌گیرد، در زمانی که شروع به انجام اعمال دخترانه می‌کند، همراه اطلاعاتی این پرسش را پیدا می‌کند که چرا مثل قبل رفتار نمی‌کند و همین پرسش‌ها و کدک‌ها مدلی‌ها دیدگان باعث می‌شود، نه بتواند آن‌گونه که هویت ايجابی می‌کند و هناباز نقش خود را به خوبی انجام دهد. جانش مشخص است چجیم، علی‌رغم میل باتشی و صرفه می‌توان تاکید ببرد نقش‌چیز کاری که تا بتواند اطلاعاتی که با او تعامل می‌کند را افتاده دارد به این دلیل که مشارکت کنندگان در اینجا از شرافتی که داشته و موقعیت منحصر به فرد، اطلاعاتی نداشته و خود را مفسر می‌دانسته است. در اینجا می‌توان نوع دیدگی از فشار به مشارکت کنندگان را شناسایی کرد که ناشی از شرافت منحصر به فرد آنها در جامعه است.

Role Strain
به این معنا، گیم به دلیل عدم آموزش از وجود عارضه دگرچه‌جویی، اطلاعی نداشتند؛ این بی اطلاعه باعث می‌شده که از لحاظ رفتار، خود را در کار دیگران درک نکرده و قادر به ایجاد نقش مناسب و درخور نباشد؛ اما در مستانه براز در مطالعه استفاده، اول اینکه این دانش‌خوانی واقعی‌اش آن چیزی است که در ظاهر می‌پیمایند یا آنچه در درون احساس می‌کنند؛ و به همین دلیل تعارض و تناقضی در خود می‌بینند که بسیار برای آنده‌اند است و فشارهای بسیاری برای او به همراه دارد. دوم آنکه، او در هر شرایطی سعی می‌کند خود را با توقعات دیگران وقوع دهد؛ بنابراین توقعات آن‌ها تصمیم‌گیری و اقدام می‌کند. این مسئله علاوه براین که بر اساس فشاری یا محدودیت می‌کند موجب تشدید تعارض و دوگانگی درونی اش نیز می‌شود که خود به تدریج تشکش بازی کرده و پیشروی در سازگاری با بدین انتباشته و بیش از اندازه‌اش در فشار نقش‌ها انجامد.

سی و سی در ساله که از دیگر مشارکت‌کننده‌ان است دلیل پنهان کردن مشکل‌ها و بازی نقش را. فشارهای جامعه و افرادی که در کمین و در انتظار سوء‌استفاده‌ها می‌باشند و چنین انتظارهای مادی و جنسی از او نشستند: «دیگرانی که آگه به‌همندی، من چه مشکل‌کنار دارم ارزیار مادی و جنسی می‌خواهند از من سوءاستفاده کنند.»

داگ نگ

داگ نگ اولین بار توسط پویانیان و برای اهاره به عللای دنیایی یکار معرفت که حکایت از نکته ای ناپید است. در این عللای را ویدن بنده آن، افراد خاصی برای با یا اسکارندان ایجاد می‌کرده‌ت‌آ نشان آن افراد باشد. گفته‌ی براز است که ادراک داغ نگ به هم‌مان متعینی لفظی اولیه بکار می‌رود و گیم برای بررسی این اشتهار دارد آن به عللای دنیای آن گفته‌ی به دو حالت با نو از داغ نگ اهاره می‌کند. در نوع اول، فرد داغ خود را تصور می‌کند که نواختن با دیگران آشکار بوده و با محض مواجهه، آشکار خواهد شد. در نوع دوم فرد تصور می‌کند که
دیگران نه از وجود تفاوت آگاه هستند و نه بلافاصله خبردار می‌شوند (گافمن، ۱۳۸۶). مشارکت کنندگان پژوهش در مراحل مختلف همواره از هر دو نوع داغ رنگ بردهاند. در نوع اول، فرد به دستور صوتی و یا نخست بهانه که برنامه ای از داغ نگ دریافت می‌کرد. شناختن می‌شود و تفاوت باعث انجام شدن و یا بهبود دادن بسیاری مطالعات آن خواهد شد. افزایش سوال در مورد انجامش آن بدون نگاه به چنین می‌گوید: «به محض اینکه وارد محل شده می‌گردد، هم‌نشان می‌دهد که فلئی آماده.» نخست دیگر در این زمینه تأکید اطرافیان بر ویژگی متفاوت تلاش برای پیاده‌ریزی مداد آنتی‌بای‌سیستمی است. به دیگر سخن، حتی بعد از تغییر رویه و بازکردن به هنگامی‌ها موردپذیرش جامعه، افراد تمرکز به‌درستی را پیادی کرده و داغ نگ ناشی از آن را زنده می‌دارند. حس ساله با وجود فرار کردن و بازکردن به خانه پس از پذیرش شدن، چنین وضعیتی در میان اطرافیان و فامیل دارد؛ چنان‌یک بیان می‌کند: «بعد از عمل خیلی دردسرش شدید، فامیل نگاه خوبی به من ندارند و طعم‌های اسکار سگه‌هاشان.» مشارکت کنندگان تبدیل به هم‌مردم خانواده‌هاشان، از این پیچیدن و داغ نگ ناشی از آن رنگ می‌پردازند. سخت‌ترین حالت باید تحمیل داغ تند نگه‌دارند و مهرآمی خانواده با جامعه و محراب دانست فرد است. به دیگر سخن، گاهی فرد هم‌مردم‌ها با خانواده‌اش داغ خورده و از این حیث در مواجه با جامعه بزرگتر، می‌توانند به داشتن آمی نوایی و حمام‌ها، ولی خوش باشند. در مواردی نیز، فرد توسط خانواده پذیرفته شده است، اما حمام‌هایی از طرف آنها می‌تواند از نیست؛ در این حالت خانواده به طور ظاهری می‌شود؛ اما در بستری حالت، خانواده رسمی اقامت به ایجاد محدود‌تر برای فرد کرده و از ترس داغ‌رود، غیرمستقیم، محدودیت‌هایی را به فرد تحمیل می‌کند. دلیل عمده ترس این افراد، تعیین داغ نگ عضوی از خانواده به کل خانواده، یا تقاضای تصویر نتایجی در تربیت و کنترل فرزندان در میان اطرافیان است. بارزترین نمونه از این دست، می‌باشد.
ساله است. خانواده میم حفظ آبیوشان را به جای وی ترجیح می‌دادند؛ و به طریق مختلف سعی در منصرف کردن از تغییر جنسیت داشتند. دو مورد از سخت‌ترین روشهای خانواده در این مسیر، زندگی کردن سه‌ماهه در زیرزمین خانه و تنهیدش به قتل بوده است؛ و ترجیح بند این اقدامات، تلاش برای حفظ آبیو خانواده است:

«ماندر گفت: خجالت بکش، آبیو ما را نخیز!»

اما روزی ملازمتر و مناسبتری نیز برای حفظ آبیو، در میان مشارکت‌کنندگان وجود داشته است. برای مثال، خانواده میم ۲۴ ساله نیز، نگران قضاوت و نگاه‌های دیگران بوده‌اند، به همین دلیل به دیدت هم اینست، نزد پزشکان مبتلا به میرنه. بی‌انتظار که تشخیص پزشکان قبیل امشبیده و دزدشان چگونه چیزی باشد: از این دکتر به آن دختر می‌پردازند. از میرنه، جامعه، همسایه، فامیل و ...، نکته‌ی دیگری که باید به آن توجه کرد، این است که وعده در زندگی‌نامه‌بندان به‌دست‌گرفتن دیگرچه‌ی قوی است. بسیاری در مقیاس‌های همان‌دست‌زایی با جنس مختالف نیز مطرح شد، نگاه ومردم‌سازی گذار در جامعه باعث می‌شود به‌دیگر دگرچه‌داران زن به مرد اقبال بیشتری داشته و به‌معنی آن داغ‌نگ آنها متفاوت با دگرچه‌داران مرد به‌زون است؛ البته مطالب کم وطلاب طرح‌شده، بیان این موضوع به معنای تعمیم‌پذیری آن تبوده و صرفاً محقق به بیان دلیل می‌تواند تقویت فردی‌های دخیل در آن می‌پردازد. بسیاری در مقیاس‌های همان‌دست‌زایی با جنس مختالف نیز مطرح شد، نگاه ومردم‌سازی گذار در جامعه باعث می‌شود به‌دیگر دگرچه‌داران زن به مرد اقبال بیشتری داشته و به‌معنی آن داغ‌نگ آنها متفاوت با دگرچه‌داران مرد به‌زون است؛ البته مطالب کم وطلاب طرح‌شده، بیان این موضوع به معنای تعمیم‌پذیری آن تبوده و صرفاً محقق به بیان دلیل می‌تواند تقویت فردی‌های دخیل در آن می‌پردازد.

Role Expectations
آنها برخی از کارهای خود بر این نکته آگاهی پیدا کرد. باعث کاهش اثرات مخرب داغ تئوری شد. زیرا این اقدامی را عادی دانسته و در عین اینکه داغ خوردند، حسی تأثیر آن قرار نگرفت و آن را نمی‌پذیرفتند. آن‌ها داغ نگرفتند. رازی را خود خود می‌کردند، اما به خاطر بروز ویژگی‌هایی که شامل آن است، متاسف نیستند. البته این پذیرش بعضاً بعد از مدت‌های طولانی تحمل فشار و ترس از نگاه دیگران، ایجاد می‌شد.

تمامی افراد جامعه تلاش می‌کنند که همواره مورد مدیریت دیگران واقع شوند؛ برای دگرگونی جویان نیز این مسئله کاملاً اکثریت می‌کند. چراکه پذیرش، دنگه اصلاح هر فرد داغ خورده‌ای است. با کشش فرد داغ خورده، نسبت به جامعه و در جهت رفع داغ نگی یا پذیرش آن (کنار آمدن با آن) بر اساس موقعیت‌ها و تفاوت‌ها است. در حالت اول، برای تلاش مستقیم خود، نقص را برطرف می‌کند؛ مانند استفاده از جراحی پلاستیکی، در مثال پرده برگ. در اینکه در حوزه‌های مهارت کسب می‌کند که برای فردی با تنش، تقصی، نامگرگه به نظر آید، این شیوه، تلاش غیر مستقیم برای بهبود وضعیت است؛ مانند فرد لنگی که به احساسی می‌پردازد. سوم اینکه از داغ نگی بیان‌های منافع ثانویه استفاده کند؛ مانند توجه شکست، در حالی که به دلایل دیگری پدید آمده است. بازار اینکه مشکلات و مشاوره به عنوان الکترونیکی دیگر از تغییر کند؛ مانند زمانی که فردی به‌طوری‌ای را عاملی می‌داشد که سبب شده در زندگی درس‌های سیاسی یا اقتصادی بمانند.

پنج اینکه؛ محصورت‌های ادامه‌ای عادی را باید کنن و از این طریق فاصله خود بیان آنها را کاهش دهد؛ مانند فرد ناپایینی که معتقد است تمام افراد بینایا، دارای بینایی نیستند، زیرا نعمت زندگی شان نمی‌بینند. مواجهه دگرگونی حیات با داغ نگی، بر اساس بایتیا، تولید روش‌های مثبتی بر حالات اول و چهارم است. بر اساس مورد اول، دگرگونی حیات دست به تغییر جنسیت می‌زنند تا توانا تعارضی که بین هر دوی ذاتی
و جنسیت نشو و جنسیت و جنسیت نشان وجود دارد. حال اکنون؛ اما همین عمل تغییر جنسیت، نشانه و برجسپ
جذب می شود که بوسیله آن این افراد مجدداً داغ نگ می خورند و دیگران آن را با
دست به هم نشان دهنده. البتة این نشانه و برجسپ، ناشی از ضعف جراحی با نشانهای
شدن این افراد پس از تغییر جنسیت نیست؛ بلکه به معناي چهارچوب‌های ذهنی
سخن و کلیشه‌های تطبیق ساخته است که افراد در ذهن خود ایجاد کرده و در مواجهه
با دگرگان جبران به آنها می‌شوند. بدين معني كه وقتی فردی را در کره و
خیابان بیننده كه تا دروز دختر بوده و الان پسر شده است، قادر به هضم مسنه نبوده و
برایشان این تفاوت در جنسیت فرد، مساوی نادیده گرفتن اخلاءات و هنجرها است.
التبته زمانی که افراد درگچنس جوی، پس از تغییر جنسیت، محل زندگی خود را نیز عوض
می کنند این نوع برخوردها و بیش از ان داغ نگ برای آنها بسیاری از آنها از کسب هویت
جدید خود راضی بوده و در اجتماع به صورت فردی عادی و هم‌خوان با هم‌خوارها، ادغام‌شده‌اند. در ارتباط با مورد چهارم، یعنی موفق کنترل
دانستن این مشه، می‌توان به حرف‌های الف ۴۲ ساله اشانه کرد. وی برای کلار آسدن
راحت‌تر با این اخلاق و مشکلات ناشی از آن، دگرگان جوی‌اش را خواست خدا
معرفي می‌کنند: «ما که خودمان نمی‌خوایستیم این گونه باشیم، با یا به‌هم مشکلات و
با یا به‌هم دردسر، به‌هر حال‌چیزی بوده که خدا خواسته.»

نکته آخر در این بحث می تواند، بیان کارکرده مثبت برای داغ نگ بسی. بر اساس
دیدگاه گافمن، داغ نگ دارای کارکرد حمایتی نیز هست. بدين صورت که؛ حمایت
جامعه را در جهت کمک به افرادی که توسط گروهی طرد شده با توسط آنها حمایت
نمی‌شود، بررسی انجام‌شده. نمونه استفاده از این کارکرد، در اقدامات ت ۲۳ ساله
دگرگان جوی زن به مرد است. زمینه فیلم مستندی از زندگی وی ساخته می‌شود تا
جامعه نسبت به موضع دگرگان جویان مطلع شده و از مسائل آن آگاهی یابد. بايد

Rigid
اصراه کرد، این کارکرد مثبت بخشی از جامعه و اطلاعات منفی داشته که در محیط‌های دیگر تشدید کرده و نمی‌توان با اشاره به آن، استدلال کرد که داغ‌ترین می‌تواند پدیده‌ای مثبت با حیثیت باشد. عدم توجه نمودن، علی رغم اینکه فیلم مستند زندگی، باعث افزایش آگاهی بخشی از جامعه و اطلاعات منفی و به وجود آمدن افرادی شد؛ و حتی در سطحی بالاتر به شکل دهی اقدامات و تلاش‌های برای حل مسائل آنانان انجامید؛ اما برای تبادل تشدید داغ‌ترین و تلقی برخی افراد از ناهنجار بودن از نظر زندگی، در نهایت به لغو قرار نامزدی، علی رغم توافق وی و طرف مقابل بود، است. یک فیلم مستند از زندگی ممنوعه شده، زمانی که خانواده نامزد آن فیلم را دیدند و متوجه مشکل ماند، شدند نامزدی‌ها به هم خورد.»

چالش‌های پذیرش و طرد

بر اساس یافته‌ها، می‌توان چگونگی پذیرش یا عدم پذیرش دگرگونی جویان در حزوه‌های مختلف را در سه گروه مطالعه کرد: پذیرش همیابانان (هم‌جنسان هم‌سالان)، پذیرش قابل و پذیرش غم‌مندی جامعه، پذیرش همیابانان به طور قابل هم‌ارتباط است: اول اینکه همیابانان از پذیرش دگرگونی جو به دلایل مختلف انتخاب می‌کنند و دیگر اینکه فرد با همیابان خود به دلایل مختلف نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. ایرانی مثال، این‌که ۲۱ ساله، مرد است که به دلیل ضعف در برق‌ها از سیرهای هم سن خود، در جمع آنها وارد شده‌ای با شناخت با آنها که قاطع، نمی‌شود است و از طرفی سایر سیرهای هم سن او، از لحاظ ارتباط آگاه شده بودند، ارتباط با او حداکثر را در جمعیت راهنمایی می‌کرده با یک در رابطه بوده است. از دیگر مسئولانی که یک بنا آن را در بوده است. کمتر ارتباط دوستانی است که با همیابان خود داشته، به این معنا که پذیرش روابط او را محدود کرده است. وی این دو عامل را مهم‌ترین علت عدم برقراری ارتباط با همیابان
خود می‌داند و صرحاً یپان می‌کند که در زمان مدرسه دوستان زیادی نداشت؛ «با پسرهای هم سن خودم قاطی نمی‌شدم. چون خودم را صعیف می‌دانستم؛ و آن‌ها هم که منو متفاوت‌بخشیدند، سن را در جمع‌شان راه نمی‌دادند... پدرم اجازه ارتباط با دوستانم را نمی‌داد و دوست‌داشت من دوستانم را به خانه‌اش بپردازد. البته در زمان مدرسه دوستان زیادی هم نداشتم»، دروایل محدودیت‌های وی منجر به حضور در محل‌های عمومی، محیط‌های خارج از این‌گونه و الیت‌های و در بندتین شرایط، محیط‌های ناهم و ناشناخته‌ای می‌شود که احتمال بروز خطر، فرب و ارتكاب اعمال خلاف عرف در آن‌ها بالاتر بود.

معمولاً «مرد به زن‌ها» در بین پسرهای همسن خود مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفت و طرد می‌شدند. این موضوع در مورد «زن به مردها» تا سوت بلع‌بندتر صورت می‌گیرد (نپیس و ناصحی 1382، 32 ساله، مرد به زن، در دوران دیستان و راهنمای دوستان زیادی نداشت و مواردی مورد اذیت و آزار همتایان پیوسته در دوران دیستان و راهنمای نمی‌تواند، دوستان زیادی نداشتند و خیلی پسرها بودند که به دلیل رفتارهای اذیتن می‌کردند.» می‌گویند. 21 ساله، در دوران کودکی از پسرها تفرت داشت و به هنگام تحصیل از آن‌ها جنگ باوذ است. از در این دوران نمی‌تواند و پسرهای دیگر اذیت و آزارش می‌کردند؛ و در عین حال خانواده‌اش از دوستان‌های وی جلوگیری می‌کرد؛ از چنگیز از بی‌بازی با پسرها متنفر بوده... در این دوران کودکی، همیشه از پسرهای دیگر جدا بوده، تنها بوده، پسرهای دیگر اذیت و آزار می‌کردند. و پدر و مادر می‌گفتند با کسی دوست نشود.» درواقع همین آزار و اذیت‌های همتایان در سنین کودکی و نوجوانی باعث می‌شود فرد گرجی‌چه و خوش‌حاشیه موجب شده این طرف‌داری که ممکن است خیلی شدید باشد، اغلب سبب بروز احساس بی‌گمانی و کناره‌گیری اجتماعی گرجی‌چه جویان و در نهایت انزوای گزینش آن‌ها می‌شود.
مشکلات پذیرشی دگرگردن جوانان «زن به مرد» اما به گونه‌ای دیگر است. بعضی از این افراد برای آن‌ها در بین هم‌مانیان دچار مشکل تشوند. خودشان به جمع آن‌ها وارد نمی‌شوند و با تبعیض پیک حریم خصوصی سخت و بسته برای خودشان، از ورود هم‌مانیان به آن جلوگیری می‌کنند. الگو ۲۴ ساله برای نمونه با این روی چندین توانسته است، مشکلات دوران مدرس در خود را به حداکثر بررسی. او به دلیل آنکه خلاق و پویش او، مانند پسرها بوده و در بین دخترها درس می‌خوانده ناخواسته و به‌طور ناخودآگاه، سایر دختران را به خودش جذب کرده اما وی با حفظ حریم خصوصی اش و سخت و بسته نگاه‌داشتن آن، اجازه نمی‌دهد کسی از هم‌مانیان به او نزدیک شده و مشکلی پیش بیاورد.

در دوران مدرس یک سری مشکلات داشت، مثلً دوستمان همیشه‌ی می‌گفتند مثل پسرها و مثل آن‌ها لباس‌ی می‌پوشند...اما من نمی‌گذاشت همیشه‌ی نزدیک شوم. مشکل ارتباط با هم‌مانیان در محیط مدرس، گاهی موجب انحراف دگرگردن جو در تحویل شده و موجب می‌شود دگرگردن جو در آینده به شغل مناسب دست نیافت و به سبب آن در حاشیه‌اندیشی و به عنوان فردی ناموفق و سرخرد، قرار گیرد.

یکی دیگر از گروه‌ها که در تحقیقِ چالش‌های پذیرش اجتماعی باشند به آن اشاره کرد، فامیل (اقوام در جوهر) است. طبق پذیرش با توجه به نوع تفکرات و اعتقادات اعضای خانواده و فامیل، می‌تواند از پذیرش آن و قبل زنده و بعد از عمل تا طرد کامل و از هم‌مانی‌ها ارتباط انگیزه‌ای نبوده و نگه‌داری و نگه‌داری از نگه‌داری و برخورداری نزدیک، وجود دارد. به این معنا که گاهی ممکن است یکی از یک‌گان فرد دگرگردن جو را، با تمام ناهنجاری‌هایش، پذیرش اما فرد دیگری با همان سطح ارزیابی و نزدیکی، از را نپذیرد. از طرف دیگر فرد دگرگردن جو نیز منفعل نبوده و میزان استقامت از در بهترین با
پس زدگی‌های اقامت و نیز تلاقش برای وارد شدن به فامیل و پذیرفته شدن توسط آن‌ها، باعث می‌شود بستگان نیز به مرور زمان وی را پذیرفند.

گروه دیگری که در بحث چالش‌های اجتماعی می‌توان باشناخت، مردم و اعضای جامعه یا پذیرش عمومی است. جامعه در این مصون شرایط تمام افرادی می‌شود که با فرد دارگنج‌جو به‌نوعی انسانی دارند؛ مثل هم‌محیط‌ها یا یافتها که وی را نرسیشن و فقط با نگاه به فرد دارگنج‌جو می‌تواند تفاوت ملموس وی می‌شود. در بیشتر موارد خانواده و فامیل، فرد دارگنج‌جو در طی دوره زمانی خاصی ممکن است پذیرفته شود. بر اساس یافته‌ها، مدتهازمان پذیرش در خانواده از سه ماه تا پانزده سال (و حتی بیشتر) است. اساساً این مدت زمان برای پذیرش در جامعه نامشخص است. اگر افراد دارگنج‌جو بزرگ‌ترین مشکل خود را رویارویی با یافته‌ها و مدرم‌های دانش و براین باورند که جامعه مشکلات فرد دارگنج‌جو را نگاه و نمی‌شناسند: آن‌ها تنها راه (به‌خیرین راه) راهی از این وضیعی را آگاه کردن می‌دانند. طا ۳۱ ساله یکی از مشارکت‌کنندگان این است که از نگاه توما با تعجب مدرم می‌گوید، از برخورداری که با او داشته‌اند: «مدرم می‌تواند نمی‌شود و بعضی هم که متوجه می‌شوند خیلی تعجب می‌کنند و به مان، به شکل یک انسان مربی‌خی نگاه می‌کنند.»

نتیجه‌گیری و بحث

بایتهای ناشانه در محل پیچیده زندگی روزمره و چالش‌های همراه با فرایند هویت‌بایی. مشارکت‌کنندگان است. چالش‌ها و مصون اولیه زندگی فرد شروع می‌شود. آگاهی تجربیات مشارکت‌کنندگان پرامون هم‌است و جنسیتی؛ از دوران کودکی و نوجوانی شکل می‌گیرد و رفتارهای در تعامل با محیط و ورود به دوران جوانی در ذهن نرم‌ساز معرفت تغییراتی حاصل می‌شود. فرد از حس تفاوت و پیش‌آگاهی، به مرحله‌ای می‌رسد
که قادر به بحث و گفتمو و استدلال برای تفاوت‌های هویتی خویش با دیگران
می‌شد. در واقع و رود به مرحله آگاهی استدلال‌یافته، به فرد کمک می کند به دنبال راحتی
برای یک جنس خود باشد. این برخی از پژوهش‌ها (لبندی و دیگران، 2003؛ گرسمن و
دارگی، 2007؛ گرسمن و دیگران، 2006) یک تفسیر بندی از زمان آگاهی و
دگرجنسی جوها از هوریتان، ارائه کرده‌اند.
نقطه خانواده به عنوان گروهی که اولین نشان‌های تحریک را در مشارکت کندنده‌ها می‌پندا
بی‌پردازه است که در این پژوهش، خانواده به دلیل عدم آگاهی از شخصیت و اختلال
فرد، به صورت مختلف با او برخورد می‌کند؛ اما نکته مشترک در تمام این برخوردها،
نادرست بودن آنها و تأثیر بارز‌شان در تشکیل دگرجنسی خویش فرد و داشتن زدن به
مشکلات او است. این رفتار، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، تفاوت در نوع افراد
و همچنین علاوه‌الآن خانواده به یک جنس مشخص؛ م фаوت بوده و قصه‌های بی خود
می‌گردد. نخست، خانواده همانندسازی فرد را نادیده می‌گیرند و به آن به عنوان رفتاری
کودکانه نگاه می‌کنند و با خود آنها که همانند اولین کودک می‌باشد و با اصلحای این رفتار با یک گند
شدید خود، از سر شانه آن می‌اندیشید. صورت دوم برخورد خانواده، این است که رفتار او را اشتباه
می‌دانند، اما با خود نادیده قرار می‌گیرند این رفتار، مانند مورد قبل و با حتی تیب و تشویق
صحیح و مؤثر، برای هدایت وی به سمت رفتار مطلوبی با جنس (جنس بدی) او را از
جمع خانواده طرف می‌کند. صورت سوم این برخورد، ناشی از تمایل خانواده به داشت
فرزندی از جنس دیگر است. به این معنا که خانواده علاقه‌مند به داشتن فرزند دختر،
رفتار ناشی از اختلال هویت جنسی فرد، با بطور دقيق تر رفتار ناشی از دگرجنسی خویش
مرد به زن فرزند خود را تأیید نموده و ار این تشکیق به همانندسازی با دختران می‌کند. در
این صورت فرد دگرجنسی خا در این چنین رفتاری، به عنوان عضو مؤنثی از خانواده
پذیرفتنه و با ویگی‌های خلقی-رفتاری آن جنس رشد می‌کند. برخی از پژوهش‌های
پیشین (جوهرا و حسن زاده، 1391، زبان پهلوی، 1386 و یعقوب، 1390) به نتیجه مؤثر خانواده و گاهی تأثیرات منفی آن اشاره کرده‌اند.

همانندسازی با جنس مخالف در تمامی دوره‌های قبل از عمل تغییر جنسیت، در دگرجنس کودکان قابل مشاهده است. به عبارت دیگر، همانندسازی با جنس مخالف جزء لایه‌ای زندگی دگرجنس کودکان است؛ که موجب رشد و گسترش هویت زندگی دگرجنس کودکان با جنس متغیر به خود بنده شان می‌شود. تعارضی که در جرخه همانندسازی و تقویت تمایز خود ذهنی و بدنی، به صورت مستمر تشادید می‌شود.

مسئله دیگری که باید به آن اشاره کرد، تأثیر فرهنگ مردسالار جامعه بر پدیداری‌های همانندسازی با جنس مخالف است. بهینه‌گونه که اولی اظهار تواصلی آن از جنس بنده و فرار از نمادهای زنانه برای دگرجنس جویان (زن به مرد)، به دلیل چجو مردسالار حاکم بر جامعه، بسیار راحت‌تر است؛ و ثانیاً همانندسازی با مردان به‌منظور امتیاز و همانندسازی با خاندان‌هایی مانند و با سیاست‌های اجتماعی ملی و بین‌المللی (1390) نیز در جویه همانندسازی و رجوع‌های اجتماعی کاملاً در راستای پژوهش حاضر است. تکنیک
\*دیگر اینکه مشکلات ناشی از همانندسازی به همین چیز ختم نمی‌شود. بر عبارت دیگر، پس از همانندسازی با جنس مختلف، نگاه اطراف‌های فرد نیز نسبت به او منفی شده و او را مورد شماخت قرار می‌دهد. این تغییر در سطحی بالاتر به دانستنی بدل بکند و مشکلات بیشتری برای فرد ایجاد می‌کند. اگرچه پایان اشاره کرد که همانندسازی با جنس مختلف در زمره ویژگی‌های ذاتی افراد متاثر به اختلال هویت جنسی بوده و برای آنها غیرقابل کنترل و در صورتی بالاتر، این رفتار متناقض و متعارض انتظار ایجاد، عملکردی عادی و بدبختی است. به این معنا که آنها از نادرستی به پادشاهی نیودن رفتار خودگاه نبوده و در ابتدا دلیل سرزنده خانواده و جامعه را درک نمی‌کند. همین‌نکته، تأییدی بر تأثیر بسیار بالای آگاهی خانواده در مهارت و کنترل اختلال این افراد و جلوگیری از پرور دگرجنس جویی در ایشان است. درواقع داغ نگه داشتن نمونه به دلیل محدود
کردن افراد و اطلاع برچسب‌های منفی به آن‌ها مانع از شکل‌گیری یک زندگی عادی می‌شود. یک روش در روابط نیز، به‌دست‌آوردنی‌گی هویت جسمی و ذهنی این افراد و همچنین تحت تأثیر داغ نگه‌داری و وجود می‌آید؛ از این‌جایی در ایجاد ارتباط با افراد تا نامتیم ماندن روابط با لغو قرار‌های ازدواجه (نامزدی) را شامل می‌شود. داغ‌نگک‌های در تشخیص درگردن‌جویی و افزایش تمایل به تغییر جنیتی مؤثر و ناشی از نگاه‌های اطرافیان است، به‌ویژه خود باعث می‌شود فرد درگردن‌جویی، در چهار جویه پذیرش اجتماعی، یعنی هم‌تیکه‌ها، همسران، افراد جامعه و همچنین اعضای فامیل (اقوام درجه‌بندی به بعد) با چالش‌های جدی مواجه شود. ایفای‌های یوپتی و دیگران (2013) و هاکوتو و درگران (2015) نیز به فرانسه‌ای داغ‌نگک و تأثیر منفی آن پرداخته‌اند هم‌ساوی یافته‌های این پژوهش است.

چالش‌های تعارض و مدیریت نقش، زمانی به وجود می‌آید که درگردن‌جویی اثر تعارض میان جنس بدنتی و جنس ذهنی ایجاد می‌کند. قدرت به پذیرش و ایفای کاملاً نقش‌های هیچ‌کدام از دو جنس ناپاسخ به دیگر سخن‌ها، از طرف دیگر مطلق‌تر خود ذهنی‌اش عمل می‌کند و از طرف دیگر به‌واسطه مشکلات در اثر این اقدامات در تعامل با گروه‌های اجتماعی دارد. سعی می‌کند و کنش مناسب با جنس بدنتی خود، در برادر کنش‌های جنسی‌نخواندنی، نشان دهد؛ اما یافتن تعارض دو نقش جنس و جنسیتی خود محقق هم‌ساوی می‌شود. به نمایندگان برای مدید طولانی و بدون نقش، به بازار نقش پرداخته و دچار مشکلات می‌شود؛ که بسته به زمینه خانوادگی و اجتماعی، این مشکلات نیز متفاوت‌اند.

بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود، رسانه‌های جامعی، به‌شکلی توجه به قدرت نفوذی که دارند در جهت معرفی شرایط درگردن‌جویی، تلاش‌های یشتری به عمل آورند. از این‌رو که نهایی اساسی مشارکت کنندگان به کم آگاهی خانواده‌ها برای گرد
آگاهسازی خانواده‌ها ضروری به نظر می‌رسد. تجربه برخی از مشارکت کنندگان نشان می‌دهد که در دوران کودکی، با مراجعه به پزشکان، با سخن‌هایی همسو با خانواده و جامعه دریافت می‌کرده‌اند که این امر مستلزم بازنگری و تأمین جدی است. در این راستا، گسترده‌تر مراکزی همچون میدان‌های تهران، در سایر استانها هم پیشنهاد می‌شود. با توجه به تجربه شرایط نامطلوب مشارکت کنندگان در مدرسه، توصیه می‌شود آموزش پرورش نیز برنامه منسجمی برای مواجهه با دگرگونی جوانان تدابیر بیاند. نهایتاً با تشکیل اخیر نشان می‌دهد عمل جراحی تها را در این موجود نیست و سرăngی جامعه باید برای همزمیانی با دگرگونی جوان تفاوت‌ها را به رسمیت شناخته و به یک بانزندی اساسی دست بزنند.
فهرست منابع:
2. ایمان، محمدتقی (1388)، مبانی پارادایم روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی، قلم: حوزه و دانشگاه.
3. بیانی، فرهاد، حیدری بیگوند، داریوش و بهروان، حسین (1390)، عوامل اجتماعی مؤثر بر شدت اختلال هویت جنی، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان، شماره اول، سال هشتم، صفحه: 1-27.
4. جوادی، فاطمه و کوکچیان، زینب (1385)، اختلال هویت جنی و ابعاد اجتماعی آن: بررسی پذیرشی ناراضایی جنی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفتار اجتماعی، سال پنجم، شماره 21، صفحه: 265-266.
5. دان، رابرت. ج (1384)، نورد اجتماعی پست مدرنیت: یک راه هویت، ترجمه: صالح نجفی، تهران: شیراز.
6. رئیسی، فریبرز و ناصحی، عباسعلی (1383)، اختلال هویت جنی، تهران: تهران صدا.
7. کاهانی، علی‌ضا و فخری شجاعی، پیمان (1381)، اختلال هویت جنی در جنگ جنگی جوهر، تهران: نیمروز زاده.
8. کسل، فیلیپ (1383)، چکیده آثار آنتونی گیلدبرگ، ترجمه: حسن چاووشیان، تهران: ققنوس.
9. کمساری، فاطمه، (1389)، مقایسه‌ی شادکامی، سلامت روانی و سیستم‌ها در افراد مبتلا به اختلال هویت جنی و افراد عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده علوم انسانی.
10. گافنی، اوریژنگ (1388)، داغ نگ، چار آندیشی برای هویت ضایع شده، ترجمه مسعود کیان‌پور، تهران: مرکز.
11. یعقوب، فرزانه، (1387)، خوهد فرهنگ تبدیل خواهان جنی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علوم طبیعی.


Gay, Bisexual and Transgender College Students in the United States. AIDS Education and Prevention, 15, 413-429.


Qualitative Study of Transsexualism: Challenges and Identification Processes from family to society

Zeynab Aghaei¹, Dariush Boostani²

Abstract

Transsexualism is a phenomenon that opposes the society and its consequences are serious challenges for transsexuals. Therefore, this study tried to investigate the challenges of transsexuals in family and society before surgery. Grounded Theory methodology utilized as the research approach. Field research is Tehran, specially Mirdamad Clinic which is the main center for consult and surgery of transsexuals from all over Iran. 12 transsexuals (7 participant were male to female; 5 participant were female to male) were selected as the participants following qualitative Purposive sampling and theoretical saturation criterion. In-depth open ended interview was used to collect data. Generally, analyzing of data culminated in six main categories namely; practical consciousness to discoursive consciousness; critical and low aware family; Sigma; conflict and role management challenges; assimilation with opposite sex; Challenges of inclusion and exclusion.

Keywords: transsexual; identification; challenges; family; society.

¹ - M. A. of sociology, Islamic Azad University, Branch of Sciences and Research of Tehran (Kerman). E-mail: Aghaei.zb@gmail.com
² - Associate prof. of Sociology, Department of Social Sciences. Faculty of Literature and Humanity, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. E-mail: dboostani@uk.ac.ir

Submit Date: 2017/11/19 Accept Date: 2019/9/14
DOI: 10.22051/jwfs.2017.13329.1320